خبر

عضو کمیسیون عمران مجلس:

۴۰۰۰ کارمند نظام مهندسی بیکار می‌شوند

عضـو شـورای مرکـزی نظام مهندسـی ساختمان کشور با بیان این‌که با ابلاغیه وزیر راه چهار هزار کارمند نظام مهندسـی بیکار می‌شوند، از رایزنی با وزیر راه برای اجرایی نشـدن این ابلاغیه خبر داد.شـهرام کوسه غراوی در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: با ابلاغیه جدید وزیر راه و شهرسـازی که مخالفت گسترده و از جمله مخالفت وزیر کشور را هم به همراه داشته بین سه تا چهار هزار کارمند نظام مهندسی کشور بیکار می شوند.نماینده مردم شهرستان های کلاله، مراوه تپه، مینودشت و گالیکش در مجلس شورای اسـلامی با بیان این که این ابلاغیه بیکاری حداقل ۱۰۰ کارمند نظام مهندسـی در گلستان را رقم می زند، افزود: با ابلاغیه جدید وزیر راه و شهرسازی همچنین درآمد نظام مهندسی کشور ۹۵ درصد کاهش می یابد و بیشـتر از ۹۴ درصد درآمد آن محقق نمی شـود.وی از سـازمان نظام مهندسـی به عنوان یک تشـکل صنفی پویـا نام برد و گفت: آقای آخوندی تـلاش دارد نظام مهندسـی را از این وضعیت خارج کرده و به تشـکلی ضعیف و بـدون کاربرد تبدیل کند.عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسـلامی از رایزنی با وزیر راه و شهرسازی برای اجرایی نشـدن این ابلاغیـه خبر داد و اضافه کرد: قرار شـده این هفته جلسـه مشـترکی با آقای آخوندی داشـته باشیم و تعارض های موجود را بررسی کنیم.کوسه غراوی با تاکید بر این که باید تعارض های موجود در این ابلاغیه رفع شود، خاطرنشان کرد: تلاش داریم هرچه سـریعتر با رایزنی با وزیر راه و شهرسـازی این موضوع را به نقطه مطلوبی برسـانیم تا مشکل کارمندان نظام مهندسـی و کارمندان طراحی، نظارت و اجرا در کشور حل شود.

دامهای سنگین آق قلا در مقابل تب برفکی واکسینه شدند

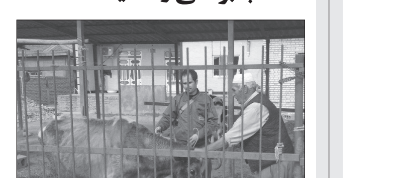

رییس دامپزشـکی شهرستان آق قلا گفت: مرحلـه اول مایه کوبی حدود ۱۱هزار راس دام سنگین (گاو و گوساله) در این شهرستان در مقابـل تب برفکی از ۲۶ فرودین آغاز و به مدت یک ماه ادامه دارد. شـهریار کتوک در گفتگو با ایرنا اظهار کرد: مایه کوبی دامها در مقابل ویروس ایـن بیماری به صورت رایگان از سـوی گـروه های دامپزشـکی شهرستان انجام می شود. وی افزود: با توجه به افزایش نسـبی کانون هـای این بیماری در سـطح کشـور، دامداران برای واکسینه شدن دامهای خود با گروه های دامپزشکی همکاری کنند. دکتر کتوک؛ رعایت در حمل و نقل، جلوگیری از ورود و خروج غیرمجاز انـواع دام و کود و فرآورده های دامی را از مهمترین راهکارها در جلوگیری از شـیوع تب برفکی بیان کرد و افزود: با رعایت این موارد پوشش ایمنی مبارزه با بیماری ها در سـطح شهرسـتان افزایش یافته و دامها در مقابل آسیب های احتمالی مصون سازی می شـوند. به گفته وی؛ مشکلات در حرکت دام سـبک و ضایعات دهانی و پستانی در دام سـنگین از مهمترین علایم بیماری تب برفکی است.

درگیری خونین چند جوان در کردکوی ۲ کشته برجای گذاشت

درگیری خونین در روستای رادکان شهرستان کردکوی دو کشته و تعدادی مجروح برجای گذاشـت. به گزارش مهر، پنجشنبه شب در پی درگیری مسلحانه چند جوان در روستای رادکان شهرستان کردکوی، دو نفر کشته شدند. در این حادثه چندین نفر هم به شدت زخمی شـدند و حال یکی از آسیب دیدگان وخیم گزارش شده اسـت.در حال حاضر تعدادی مضنون توسط نیروی انتظامی دستگیرشدند و تحقیقات پلیس همچنان ادامه دارد.

خالد نبی فراموش شده است

کارشناسان در حالی حصارهای کشیده شده در مجموعه تاریخی خالد نبی را تهدیدی بزرگ برای آن می دانند که همچنان اقدامات غیراصولی و تخریب سرزمین عجایب ایـران را تهدیـد می کند. به گزارش مهر، گورسـتان و زیارتگاه خالد نبی در منطقه کوهسـتانی و در فاصله ۶ کیلومتری روستای گچی سـو نزدیک آی تمر از توابع شهرستان کلاله و بر فراز قله کوه گوگجه داغ واقع شده است. بقعه خالد نبی، بقعه های عالم بابا و چوپان عطا و دره ای به نام پنج شـیر و همچنین چشمه خضر دندان، رشته تپه ماهورهای خاکی که ارتفاع آنها به مراتب کمتر از ارتفاع محل مرقد خالد نبی اسـت، گورستان عظیمی با حدود ۶۰۰ سـنگ مزارهای اسـتوانه ای که تا ارتفاع حداکثر دو متر در آن دیده می شود، تنها بخشی از نقاط دیدنی این مجموعه فرهنگی – تاریخی است.بر اساس شواهد سطحی باسـتان شناختی این محوطه مربوط به قـرون اول و میانی دوره اسـلامی بـوده و یکی از آثار شاخص اسـتان و کشور محسـوب می شود که آبان ماه سال گذشته با عنوان محوطه باستان شناختی خالد نبی در فهرسـت آثار ملی کشور به ثبت رسید. بسیاری معتقدند سنگ مزارهای ایستاده و منحصر بفرد، مناظر باستانی، تپه ماهورها، طبیعت بکر و دست‌نخورده اطراف محوطه ۱۲ هکتاری خالد نبی با فرم بیضی شکل سالانه بیش از ۱۵۰ هزار گردشـگر داخلی و خارجی را به قله کوه گوگجه داغ که به سـرزمین عجایب ایران هم مشهور است، می کشاند.چندی پیش ویدئویی در فضای مجازی منتشر شد که از وضعیت نامناسـب گورستان خالد نبی و اقدامات غیر اصولی در این محوطه تاریخی حکایت داشت.

تیم تخصصی مرمت به منطقه اعزام شد

موضوع را از مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دسـتی و گردشگری گلستان جویا شدیم و ابراهیم کریمی اظهار کرد: پس از انتشـار ویدئویی که از برخی آسـیب‌ها در محوطه گورستان خالد نبی حکایت داشت تیم تخصصی مرمـت به این منطقه صعب العبور اعزام شـد تا پس از بررسـی این موضوع، گزارش کارشناسی خود را ارائه کنند. وی در خصوص استفاده از سنگ قبرها به عنوان پایه های کانکس گفت: منطقه مورد نظر کاملا کوهستانی است و تشابه سنگ‌های منطقه‌ای با سنگ‌های محوطه تاریخی گورستان باعث این اشتباه در بین گردشگران غیرمتخصـص شـده اسـت. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان افزود: بر اساس نظر کارشناسان مرمت، این سـنگ‌ها از نظر هارمونیِ رنگ تقریبا مشـابه هم بوده و به همین دلیل تنها کارشناسان متخصص این حوزه می‌توانند این تفاوت را تشخیص دهند. وی ادامه داد: در مورد قرار دادن سـنگ‌ها بر روی سـازه سقف (ایرانیت) در منطقه لازم به ذکر است؛ این منطقه کوهسـتانی با وجود بادها و طوفان‌های شـدید علاوه بر مهار کردن این سازه‌ها با اتصالات پیچ و مهره از این سنگ‌ها منطقه‌ای موجود که شباهت‌های زیادی به سـنگ قبرها دارد، برای سنگین کردن و جلوگیری از جابه‌جایی این سازه‌ها در مقابل بادهای منطقه استفاده می‌شود. کریمی بابیان این که سنگ‌های کوهستانی مشابه با سنگ قبرها، در زیر کانکس استفاده شده و در خبر اخیر به اشتباه آن را سنگ قبر قلمداد کرده اند به موضوع نصب غیراصولی سـنگ قبرها با اسـتفاده از ملات هم اشاره و تصریح کرد: تیم کارشناسی اعزامی همچنین سنگ قبرها (شـاخ قوچ) را کاملا مورد بررسـی قرار داده اند و اعلام کرده اند از بین هزاران سـنگ قبر موجود در منطقه فقط دو سـنگ غیرتخصصی کار شده اسـت.وی اضافه کرد: این سنگ قبرها با توجه به تحقیقات میدانی مبنی بر حفظ هویت میراث منطقه توسـط مردم محلی ایجاد شده تا با اندک امکانات خودبرای حفظ هویت تاریخی منطقه تلاش کنند.مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان بیان کرد: هرچند این اقدام غیر کارشناسی بوده و زیر نظر میراث فرهنگی انجام نشده اما جای تقدیر دارد که مردم محلی بـرای حفظ هویت تاریخی منطقه با اندک امکانات در منطقـه کاملا محروم و صعب العبور برای حفظ و صیانت از این میراث گرانسنگ می‌کوشند.

محدوده و حریم محوطه تاریخی خالد نبی مشخص نیست

هرچند کریمی نصب سنگ قبرها با ملات را غیراصولی می‌داند و در عین حال تلاش مردم برای حفظ آثار منطقه با حداقل امکانات را قابل تقدیر می‌داند اما کارشناسـان حوزه مرمت بناهای تاریخی با مدیرکل میراث فرهنگی گلستان هم عقیده نیستند و معتقدند هرگونه جابه‌جایی و دسـت کاری که باعث تغییر در ساختار تاریخ طبیعی محوطه های تاریخی شـود، تهدیدی بـزرگ برای آن مجموعه و هویت تاریخی منطقه اسـت.یک کارشناس ارشـد مرمت و احیاء بافت ها و بناهای تاریخی اظهار کرد: فیلم منتشـره در فضای مجـازی را دیدم اما نمی توانم قضاوت کنـم این کار میراث فرهنگی اسـت یا مردم. اگر روزی مشخص شود نصب سنگ قبر توسط میراث فرهنگی با ملات انجام شده برای میراث فرهنگی گلستان متاسف می‌شـوم.محدثه میرحسینی با انتقاد به وضع موجود خالد نبی گفت: تاکنون مطالعات باسـتان شناسی و مستندسازی روی این محوطه تاریخی انجام نشده است و تنها در گذشته یک تعداد سفرنامه نویسان و سـیاحان روی آن کار کرده اند.وی افزود: در ایران به خاطـر موضوعیت این محوطـه تاریخی خیلی بودجه و اعتبار بـه آن اختصاص داده نشـده و حتی حریم و محدوده محوطه آن مشـخص نشده اسـت.وی با تاکید بر این که منظور از حریم، حریم حفاظتی نیسـت، ادامه داد: منظور از حریم این اسـت که هم اکنون به درستی مشـخص نیسـت این محوطه تاریخی تا چه شعاعی گسـترده اسـت و آثار تاریخی در آن دیده می شود.این کارشناس ارشد مرمت و احیاء بافت ها و بناهای تاریخی اضافه کرد: چند ماه است که میراث فرهنگی در بخشی از این مجموعه حصارکشی انجام داده اما بسیاری از آثار و سنگ قبرها در بیرون این حصار قرار گرفته اند.

حصارکشی بزرگ‌ترین اشکال موجود در محوطه خالدنبی

وی بابیان این که یکی از بزرگ ترین اشکالات در مورد این محوطه حصارکشی است که توسط میراث فرهنگی اجرا شـده است، تصریح کرد: در حالی که هنوز حریم واقعی این محوطه مشخص نیست و نیاز به پیمایش و کاوش باستان شناسـی دارد تا حریم آن مشخص شود این حصارکشی به مردم و سایر ارگان ها اجازه می دهد در بیرون حصارهای کشیده شده هر اقدامی انجام دهند. وی با تاکید بر این که حصارکشـی در خالدنبی باید به صورت علمی و مستند انجام شود، بیان کرد: حتی بردن کانکس به آن محوطه هم اشتباه بوده است چرا که ساختار تاریخ طبیعی منطقه را بهم زده است در حالی که خیلی از سازه های موقت مانند آلاچیق ترکمن ها وجود داشت که می توانست در آنجا به جای کانکس اجرا شود.میرحسینی همچنین گفت: ضـرورت اجرای کانکس را متوجه نمی شوم وقتی کانکس و نگهبان در مجموعه مستقر شده اند و مجموعه خالدنبی و آثار آن همچنان آسیب می بیند چه ضرورتی برای حضور کانکس و نگهبان وجود دارد.وی افـزود: حدود دو ماه قبل که از مجموعه خالد نبی بازدید داشتم با نگهبان مسـتقر در کانکس گفتگوی کوتاهی داشـتم و نگهبان مـی گفت نه اسـلحه ای در اختیار اوسـت و نه اجازه و امکان دفاعی از خود را دارد.این مدرس دانشگاه ادامه داد: در بازدید دو ماه قبل از خالد نبی دیدم بسـیاری از سـنگ قبرها را از خارج حصار کشـیده شده توسط میراث به داخل حصار آورده و در چاله هایی که قبلا توسط حفاران غیرمجاز ایجاد شده، گذاشته اند که این کار غیر اصولی است.وی اضافه کرد: من قضاوت نمی کنم این کار توسط چه کسی (میراث یا مردم) انجام شده اما تا جایی که من اطلاع دارم تنها حصارکشی و کانکس توسط میراث انجام شده که هیچ کدام آن ها اصولی نیسـت.وی با یادآوری این که هر اثر تاریخی ضوابطی دارد و حتی حصارکشـی آن هم باید ساختار مشخص داشته باشد، اظهار کرد: فنس کشی که حتی نمی تواند جلوی حضـور مردم را بگیرد و فقط تهدیدی برای دست اندازی بیشتر به خارج از محدوده فنس است که آثار تاریخی در آن مشـاهده می شود، باید برچیده شود.

قول داشتن آمبولانس هوایی گلستان را از وزیر بهداشت گرفتیم

نماینده مردم علـی آبادکتول در مجلس بـا بیان اینکه بیمارسـتان کودکان گلستان سـال آینده ردیف اعتباری خواهد داشت، گفت: از وزیر بهداشت قول داشـتن آمبولانس هوایی گلستان را گرفتیم. اسدالله قره خانی در گفتگو با مهر از دیدار هفته گذشته مجمع نمایندگان گلستان با وزیر بهداشت و درمان خبر داد و اظهار کرد: هفته گذشته اعضای مجمع نمایندگان گلستان جلسه مشترکی را با وزیر بهداشت داشتیم و تعداد زیادی از نیازهای حوزه بهداشت و درمان اسـتان که بین همه شهرستان ها مشترک بود در این جلسه مطرح شد و قول های خوبی از وزیر گرفتیم. وی با بیان این که توجه به پرداخت حق و حقوق پرسنل، پرستاران، نیروهای خدماتی و پزشکان و توجه به نیروی انسانی از نیازهای مشترک همه شهرستان های گلستان در این حوزه بود و در این خصوص با وزیر صحبت کردیم، افزود: همچنین آمار بالای گلسـتان در حوادث جاده ای باعث شد داشتن آمبولانس هوایی را از وزیر درخواست کنیم و دکتر هاشـمی قول آن را دادند.نماینده مردم علی آبادکتول در مجلس شورای اسلامی با اشاره به این که تنها یک بیمارستان تخصصی کودکان در استان فعال است و آن هم وضعیت مناسـبی ندارد، ادامه داد: دستور احداث بیمارستان جدید کودکان را از وزیر گرفتیم و قرار شد این بیمارستان در ردیف اعتباری بودجه سال آینده لحاظ شود. وی با بیان این که تجهیزات بیمارستانی، توسعه اورژانس، کمبود تخت آی سی یو و سی سی یو و همچنین تخت شیمی درمانی از دیگر نیازهای استان بود که در این دیدار مطرح شد، تصریح کرد: تخت های موجود شیمی درمانی گرگان برای بیماران سرطانی استان کفایت نمی کند و از نظر هزینه ای و نوبت دهی بیماران اسـتان با مشکلات زیادی مواجه هستند.قره خانی اضافه کرد: این موضوع هم به وزیر بهداشت و درمان منتقل شد و وزیر موافقت مجدد داشتند و دستور دادند در آماده سازی و تجهیز بیمارستان نیمه تمام علی آبادکتول برای اسـتفاده بیماران سرطانی تسـریع شـود.وی با بیان این که قرار بود وزیر به میزان اعتبار تخصیصی نمایندگان مجلس برای توسعه و درمان هر شهرسـتان، اعتبار تخصیص دهد و این موضوع را از وزیر پیگیر شدیم، خاطرنشان کرد: ساختمان قدیمی مرکز بهداشت فاضل آباد که از قبل از پیروزی انقلاب بنا شده بود، مخروبه شده و قرار بود در مجلس نهم فروخته شود اما موافقت وزیر را گرفتیم تا امسال اعتباری برای استقرار مرکز درمان سرپایی و کلینیک تخصصی اختصاص یابد.

نقض آشکار حقوق شهروندی در معابر شهری

اگرچه توجه به فضاسازی محیطی و طراحی مبلمان شهری مناسب یکی از حقوق مسلم شهروندان محسوب می‌شود با این وجود یکی از معضلات امروزی در توسعه شـهری نادیده گرفتن قابلیت زندگی و محدود شـدن فضاهای عمومی شهری است که این امر نیز به نوبه خود علاوه بر اختلال در عبور و مرور، نقض آشـکار حقوق شـهروندان را به دنبال دارد. به گـزارش فارس، اگر چه توجه به فضاسـازی محیطی و طراحی مبلمان شـهری مناسب یکی از حقوق مسلم شهروندان محسوب می‌شود با این وجود یکی از معضلات امروزی در توسعه شهری نادیده گرفتن قابلیت زندگی و محدود شـدن فضاهای عمومی شهری است که این امر نیز به نوبه خود علاوه بر اختلال در عبور و مرور، نقض آشکار حقوق شهروندان را به دنبال دارد، در این میان نگاهی به وضعیت خیابان‌های مرکز گلستان حاکی از آن است با وجود افزایش جمعیت و افزایش خودرو در سال‌های اخیر، متناسب با این امر در خیابان‌های گرگان تعریض مناسبی صورت نگرفته است، به عنوان مثال خیابان ولی عصر(عج) به واسـطه تمرکز خدمات مورد نیاز شهروندان همواره با مشکلات مربوط با تردد و ناکافی بودن پارکینگ‌ها عمومی مواجه است.در همین رابطه یکی از شهروندان گلستانی با ابراز نارضایتی از وضعیت معابر مرکز استان اظهار کرد: متأسفانه معابر در شـهر گرگان از وضعیت مناسـبی برخوردار نیست، عـدم توجه بـه محل پـارک خودروها و عـدم انطباق عرض معابر با تعداد اتومبیل و ناکافی بودن پارکینگ‌های عمومی اوضاع نامناسـبی را در تردد عابران ایجاد کرده اسـت.علی صدیقی بیان کرد: روز گذشته به دلیل آنکه خودرویم را چند دقیقه کوتاه برای خرید دارو، روبروی یکـی از داروخانه‌ها خیابان ولی عصر(عج) پارک کردم جریمه شدم. وقتی تعداد پارکینگ‌های این خیابان کافی نیسـت تکلیف افرادی مثل من که مجبور هستند برای چند دقیقـه کوتاه خودروی خود را کنـار خیابان پارک کنند، چیست؟وی افزود: با وضعیت اقتصادی نامناسب مردم تنها راهکار برای قانونمندی جریمه نیسـت بلکه مسوولان باید قبل از اجرای پروژه‌های شهری به تأثیر هر جز به اجزای دیگر توجه کنند و تمام نیاز شهروندان را در پروژه‌های شهری لحاظ کنند.

برنامه‌ریزی منسجم در طراحی مبلمان شهری و رعایت حقوق شـهروندی لحاظ شود

دادیار پیشـگیری از وقوع جرم دادگسـتری گلستان در خصوص رعایـت حقـوق شـهروندی در طراحی مبلمان شـهری گفت: حقوق شـهروندی یک معنای کلی دارد و در مجموع قوانین، تعریف مشـخص شـده‌ای از آن وجود ندارد.مسـعود سـلیمانی با بیان اینکه حقوق شـهروندی شامل تمام حقوقی است که باید به هر یک از شـهروندان اعطا شـود، اظهار کرد: حقوقی همچون برخورداری از هوای پاک، بهداشـت و دیگر حقوقی که شـهروند حق زندگی بهتری را در یک جامعه شـهری داشـته باشد به عنوان حقوق شـهروندی تلقی می‌شود. وی ادامه داد: در جامعه شـهری گرگان به دلیل افزایش جمعیت و رفت و آمد روزانه بسـیاری از مردم از شـهرهای دیگر استان برای برخورداری از یکسری خدمات بهداشتی و درمانی موجب شـده تا شهروندان به دلیل این ازدحام جمعیت نتوانند از فضاهای شهری استفاده کنند در حالی که باید مبلمان شهری به گونه‌ای طراحی شود که اگر فردی برای انجام کاری با زمان بسیار کم بخواهد خودروی را پارک کنـد منجر به جریمه نشـود و از طرفی حقوق دیگر شـهروندان نیز پایمال نشود، در واقع باید افق بلندمدت و برنامه‌ریزی منسجم در طراحی مبلمان شهری در نظر گرفته شود. دادیار پیشگیری از وقوع جرم دادگستری گلستان با بیان اینکه در بحث مبلمان شهری نباید مماشات کرد، افزود: در حال حاضر شاهد آن هستیم که بسیاری از آپارتمان‌ها ساخته می‌شوند اما پارکینگ آنها تغییر کاربری پیدا می‌کند و تبدیل به مغازه می‌شود بنابراین افراد ساکن

در آپارتمـان مجبور به پارک خودروهای خـود در خیابان هسـتند که ایـن امر خود نقض آشـکار حقوق شـهروندی اسـت. سـلیمانی بیان کرد: بـه دلیل تمرکز خدمات عمومی در یک نقطـه خاص از شهر همواره شاهد مشکلات ترافیکی هستیم در حالیکه با توزیع خدمات عمومی در سایر نقاط شهر می‌توان حجم زیادی از تردد در یک محور خاص از شهر را کاهش داد.

بهره‌برداری از پارکینگ طبقاتی عدالت هفدهم تا پایان سال

از سـویی دیگر معاون شهرسازی و معماری شهرداری گرگان معتقد اسـت بحث حقوق شهروندی در مبلمان شـهری مفهـوم کلـی دارد و آن چیزی کـه در حوزه شـهرداری قرار داد بحث صیانت از طرح‌های تفصیلی و جامع اسـت. مجید طاهری اظهار کـرد: محور ولی عصر(عج) گرگان به دلیل توزیع سرانه خدمات و لحاظ شدن مراکز پر تردد همواره حجم زیادی از تردد را در این محور شاهد هستیم در واقع این محور کارکرد فرا شهری و حتی فرامنطقه‌ای دارد چرا که به تمام اسـتان خدمات ارائه می‌دهد با این وجود در همین محور ولی عصر (عج) مجتمع‌های زیادی وجود دارد که درهای پارکینگ خود را بستند و شهروندان نمی‌توانند از این پارکینگ‌ها استفاده کنند. وی بحث فرهنگ‌سازی در استفاده از پارکینگ‌های عمومی را مهم بر شمرد و گفت: بعضی از شهروندان با وجود پارکینگ در یک خیابان حاضر نیستند خودروی خـود را در پارکینگ پارک کنند به عنوان مثال در داخل بازار نعلبندان پارکینگ طبقاتی وجود دارد اما افراد زیادی حاضر نیستند از این پارکینگ استفاده کنند بنابراین باید در این امر فرهنگ‌سازی شود. معاون شهرسازی و معماری شهرداری گرگان ادامه داد: برای رفع پاره‌ای از مشکلات مربوط به جای پارک خودروهـا در محورهای پرتردد، برای تمام افرادی که دارای زمین در این محورها هستند و قصد خرید و فـروش آن را ندارند امکان بهره‌برداری پارکینگ برای آنها بـه وجود آمده است و عوارضی بابت ساخت پارکینگ از آنها گرفته نمی‌شود. طاهری خاطرنشـان کرد: یکی از برنامه‌های ما در سـال جاری بهره‌برداری کامل از پارکینگ طبقاتی عدالت هفدهم است.

فروش تراکم، منبع ناپایدار درآمد برای شهرداری‌ها

معاون شهرسـازی و معماری شهرداری گرگان در ادامه یکی از منابع درآمدی شـهرداری‌ها را فروش تراکم بیان کرد و گفت: فروش تراکم منبع درآمدی ناپایدار محسوب می‌شـود که البته چنـدان هم مطلوب نیسـت در واقع شهرداری‌ها در سراسر کشور متکی به خودکفایی هستند و درآمد آنها باید توسط شهرداری و مردم آن شهر کسب شود. طاهری افزود: شهرداری اختیار ندارد مازاد آنچه در طرح‌های تفصیلی و جامع است را تراکم بفروشد ولی اتفاقـی که می‌افتد با وضع موجود مغایرت دارد چرا که در این طرح‌ها تک‌تک پلاک‌ها بررسی نمی‌شود و امکان دارد در یک پلاک تعریض وجود داشته باشد با این وجود جایی که قرار است شهرداری مازاد تراکم دهد باید مجوزهای مربوط اخذ شـود. وی بیان کرد: سیاسـت دولت این اسـت که در بافت‌های فرسوده افزایش تراکم صورت گیرد تا شـاهد رونق باشیم در واقع در سه استان شمالی مشکل زمین وجود دارد و سیاسـت دولت بر توسعه از درون قرار گرفته است. طاهری با بیان اینکه نیاز به مسـکن در شـهر گرگان به دلیل مهاجرپذیر بودن بیشـتر از نرم است، افزود: تمـام نیاز به مسـکن باید داخل شـهر صورت گیرد بنابراین در مواقعی مجبور به افزایش تراکم هسـتیم. بر اساس این گزارش، امروزه مبلمان شهری یکی از مصادیق مهم خدمات‌رسـانی به شهروندان محسوب می‌شـود بنابراین شـهرداری به عنـوان مرجع مهم خدمات‌رسانی به شـهروندان باید در برنامه‌ریزی و طراحی مبلمان شهری نیازهای شهروندان را لحاظ و حقوق شهروندی را رعایت کنند.

یادداشت

اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد

محمد انصار

از کتابهای ارزشـمندی که در سال ۹۶ در حوزه استان شناسـی به بازار آمد، کتاب اوراق پراکنده از مصنفات میرداماد بود که به کوشـش حسین نجفی تدوین شـد و از سوی موسسـه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در قطع وزیری و ۴۴۴ صفحه منتشر شـد. در ایـن مجموعه، ضمـن تصحیح برخی نسـخ خطی آثار میرداماد، شـرح و توضیحات مفیدی هم آورده شده است. موضوع و شـیوه کار نویسـنده، بیسـابقه نیست. در سال ۱۳۸۲ کتابی با نام مصنفات میرداماد به همت شـیخ عبـدالله نورانی تدوین شـد. این اثر در حقیقت مکمل اثر آقای نورانی هست. ولی از سوی دو ناشر به چاپ رسیده اند.

به طور کلی اشـاره به پیشینه پژوهش، کار بسـیار مفیدی است، هر قشـر و گروهی درباره کار همکاران خود نظر می دهند. اما در دنیای نویسندگی وضع به گونه دیگری است. برخی پژوهشگران به خاطر ترس یا شـرم، حاضر به نقد یا مدح آثار دیگران نیسـتند و سـکوت کنند. این کار خیانت اسـت زیرا اگر پژوهشـگری دربـاره کار دیگران نظر ندهد چگونه رشد و پیشرفت کاری به وجود میآید؟ اما حسـین نجفی ساکت نمی نشیند. ایشان در مقدمه کتابش به نقد و مدح کتاب شـیخ عبدالله پرداخته اسـت. با این که با نام کتـاب «مصنفات» مخالف اسـت ولی باز هم خودش این نام را انتخاب کرد.

از دو دهه گذشته تا به امروز، آثار متعددی از میردامـاد تصحیح شـد. فقـط چند اثر ایشـان از سـوی مهدیه میرداماد اصفهان، منتشـر شـد. اما هنوز نسـخه های خطی زیـادی از آثار میرداماد در کشـور موجود اسـت کـه نیاز بـه تصحیـح دارد. اگر ما بخواهیـم میرداماد را بهتر بشناسـیم باید آثار بیشتری از ایشان تصحیح شود. ناگفته نماند کـه میرداماد عالمی پرنویس بود. آن چه که از ایشـان تاکنون به چاپ رسـیده، یک دهـم، کل آثار میباشـد. در حالی که سال آینده چهارصدمین سالگرد درگذشت میرداماد است. پس ما باید قدردان کسانی که در این راسـتا گام برمی دارند، باشـیم. از نقاط ضعف کتاب آقای نجفی، نداشتن نمایه ای از اعلام، اماکن، اصطلاحات و... است. کتابهای نفیس و با حجم زیاد، نباید بدون نمایه باشند.

ایـن کتاب، بعـد از دفاع پایـان نامه بنده منتشـر شـد. موضوع رسـاله کارشناسی ارشـدم، بررسی نظرات فقهی میرداماد بود اگر قبل از آن منتشـر شده بود می توانستم از آن بهره بگیـرم. الان اگر بخواهم کتاب یـا مقاله ای از دل پایان نامه ام، در بیاورم، بـه ایـن کتـاب توجه خواهم کـرد. برخی پژوهشـگران تعصب بیجایی نسـبت به کتابهای شان دارند. تصور بهترین نویسی، اشـتباه بزرگی است که دامن گیر آنها شده اسـت در حالـی که در دنیـای امروز، هر لحظه، آثار جدید و بهتری منتشر شود. هر نویسنده ای پس از چاپ اثر، باید نقدها یا مطالب جدیدی را که بعداً بدست میآورد، یادداشت کند تا این که آنها را در چاپهای بعدی اصلاح کند.

این کتاب را از کتابفروشـی بوستان کتاب، در شـهر قـم خریـداری کردم متأسـفانه کتابفروشـیهای گرگان تنـوع و تعدد آثار ندارنـد. این مشـکل اصلی پژوهشـگران منطقه ماسـت. زیرا پژوهشـگر قبل از هر چیز، می بایست از آثار چاپی دیگران آگاه باشـد. کتابفروشـی های بزرگ و خوب، میتواند پژوهشـگر را به یک کتابشـناس تبدیل نماید. البته پژوهشـگر نیز باید اهل تحقیق و تفحص باشـد. مثـلاً اگر بنده به آن کتابفروشـی نمیرفتم از نشر آن بی خبر بودم.حسـین نجفی مؤلف کتاب در سـن ۲۵ سـالگی، اثر خوبـی، از خود به یادگار گذاشـت. چاپ کتاب از یک مرکز معتبر، نشـان از کار معتبر است. جالب اینجاست که چندین نسخه تصحیح شده در این اثر، به زبان عربی اسـت. اثر او باعث شـد تا برخی اندیشـه های میرداماد روشن شود. ایشـان به ما آموخت که جوانها میتوانند آثار خوبی بیافرینند. انتقادات او هم درس شهامت و قدم نهادن در میدان های بزرگ علمی را به انسـان می آموزد. برای ایشان آرزوی توفیق را دارم.

پژوهشگر

آگهی‌های ثبتی

آگهی فقدان پرونده ثبتی ۲ فرعی از ۵۶۵ ـ اصلی واقع در بخش یک ثبت گرگان

بدینوسـیله اعلام می گردد پرونده ششـدانگ عرصه و اعیان یک عمارت به مسـاحت ۷۸۳/۱ مترمربع بنام مالکین مشـاعی ۱ ـ غلامحسـین و سکینه و محمدامیـن و بتـول و نرجس خاتون و حجت اله و ربابه و عطیه و نفیسـه و محمدطاهـر و محمدهـادی و خدیجه و اسـداله و رقیه و محمدحسـین نام خانوادگی کبیر همگی فرزندان محمدقاسـم ۲ ـ سـیمین و رضانعلی و محمدولی و محمداسماعیل و منصوره و نسرین نام خانوادگی همگی سالک فرزنـدان رجبعلی ۳ ـ وحید و علیرضـا و محمدمهدی و مژگان همگی نام خانوادگی ایزدپناه همگی فرزندان عزت اله ۴ ـ صائمه و سوده کبیر فرزندان علیرضـا ۵ ـ زهرا فتحعلی فرزند علی اکبر به پـلاک ثبتی ۲ فرعی از ۵۶۵ ـ اصلی بخش یک ثبت گرگان مفقود گردیده است لذا در راستای کد ۳۳ و ۳۴ دسـتورالعمل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور یک نوبت در روزنامه آگهی می گردد تا کسانیکه از پرونده فوق اطلاع دارند ظرف مدت ۱۰ روز به اداره ثبت اسناد و املاک گرگان اطلاع دهند.

علی برقی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک گرگان ـ ۱۲۲۷ م الف

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶
۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵
۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

گنج شایگان

محمدرضا مـرادی طادی–بدیهی اسـت که داریوش شـایگان مُرده اسـت و می دانیم – چرا که تجربه‌های شـخصی،علم پزشکی،و تجربهٔ عام انسانی/تاریخی به ما نشـان داده اسـت – که هیچ مُـرده‌ای دیگـر زنده نمی شـود،آن که مُرد دیگر حیاتی نـدارد تا روز بازپسـین که از خاک به فرمان صور اسرافیلَ برآورده شود.امّا متفکران اگرچه به جسم می میرند ولَی بنا بر قدرت اندیشـه و توانِ قلمشـان می توانند حتی پـس از مرگ هم حیاتی را در پیش گیرند.شـاید بدین معنا برای داریوش شـایگان نیز بتوان حیاتیِ پسامرگی نیز قائل شـد،و این مهم – البته اگر مطلوب باشد و خواَستنی–درجاییامکانپذیراست که ماتَرک فکری شایگان را به پرسـش بگیریم و فارغ از بت تراشـی یا دشـمن کیشی، نسبت به شـخص او و یا آثارش، همّ و غم خودمان را صَرف بازشناسـی و بازخوانیَ آنها کنیم. شـاید بتوان گفت که میراث فکرَی شایگان نیز مانند بسیاری دیگر از متفکران معاصر ما برآمده از اصلی ترین مساله شناسی قرن بیستم ایرانی – که به تعبیر محمد علی موحد با کشف نفت آغاز شـد –َ بود؛یعنی تقابل سـنت و تجدد.این تقابل سنت و تجدد در دو پایگاه نهادی بازتاب یافته بود: جامعه‌ای که اکثر اعضای آن بیش و کم انگاره‌های سنت را در نهانگاه وجدان حمل می کردند و دولتی که می خواسـت به ضرب و زور مدرنیزاسـیونی سطحی تجددی سـطحی تر را بر جامعه تحمیل کند.شـایگان در میانهٔ این دوگانه ایسـتاد و از آن طرح واره‌ای فلسـفی استخراج کرد:آسیا در برابر غرب. تمام تلاشـهای فکری آتی شـایگان در همین دوپارگی وجودی، که ریشـه در تجارب فردی خودش نیز داشـت، سـپری شـد.روزی از مأوای سنت می خواست ایدهٔ آسـیا را در برابر ایدهٔ غرب علم کند،روزی دیگر خواهان جسـت و جو در چیستیانقلاب مذهبی در عصر سکولار تجدد می شد،و در فرازی دیگر چندپارگیَ تجربهٔ شخصی‌اش را در یک هستی شناسی گسسته در هویتی چهل تکه دنبار می کرد شـاید که راهی به رهایی، به گریزگاه چرخ باطل تکرارها پیدا کند. به نظرم اصلی ترین میراث اندیشی شایگان همین مساله‌هایی است که دنبال کرده است و نه پاسخهایی که ارائه کرده اسـت– که بعضاً تاریخ مصرف آنها یا گذشته است یا این که پتانسیل منقضی شـدن را دارد. ولی نه «مسائل» ما منقضی شده‌اند و نه این که اصل «مسـاله شناسـی» برای تاریخ اندیشهٔ معاصر ماموضوعیّت خود را از دسـت داده است.جالب اینجاسـت که خود شایگان در جایی که می توان اعتباری تمثیلی برای آن قائل شد – مراسم ترحیم بزرگ نادرزاد – به این نکته اشاره می کند که موضوع اصلی همین مساله شناسی است:«ایران در سال‌های دهه های چهل و پنجاه داشت جهش می‌کرد. ما از آسـیای جنوب شـرقی آن موقع جلوتر بودیم، ولی بعد آنها پیش افتادند و موفق‌تر شدند. علت عدم موفقیت ما به نظر من این است که ما شتاب تغییرات را تحمل نکردیم. حالا چرا؟ نمی‌دانم. همچنین ما روشنفکران آن دوره هم پرت بودیم و تحلیل درسـتی از جایگاه خود در جامعه و جامعهٔ خود در جهان نداشتیم. می‌توانم این را به عنوان یک اعتراف بگویم که ما روشنفکران جایگاه خود را ندانستیم و جامعه را خراب کردیم. یکی دیگر از آسیب های جامعهٔ ما در آن هنگام چپ‌زدگی شـدید بود که با اتفاقات بیسـت و هشـتم مرداد [سـال ۱۳۳۲] هم تشدید شد، وقهرمان گرایی بیش از پیش در جامعه فراگیر شـد. ما باید گام نهادن در مسیر صنعت و پیشـرفت را از مونتاژ آغاز می‌کردیم. جالب بود که روشنفکران آن دوره از این مونتاژ به بورژوازی کمپ را دور یاد می‌کردند. بسیاری از روشنفکران اروپایی نیز چپ زده بودند، منتها در آنجا تعادل برقرار بود. رمون آرونی بود در مقابل سـارتر ولیاین جار مون آرونین بود، کسـی جلوی چپها بود. ما با اسطوره‌ها زندگی می‌کنیم و این بسیار بد است و یکی از نتایج چپ‌زدگی است. نسل کنونی جوانان ایران، شعورشان از نسل ما بسیار بیشتر است، زیرا در دنیای دیگری زندگی می‌کنند. مخصوصاً زنان ایرانی بسـیار جهش کرده‌اند. باید اعتراف کنم شـرمنده‌ام که نسـل ما گند زد!».به اعتبار جایی که این سخنان گفته شـده – یک مراسـم ترحیم – و به اعتبار فاصلهٔ زمانی – که تقریباً در آخرین سال زندگی شایگان گفته شده است – می توان به این نتیجه گیری خطر کرد که شاید بشود این اظهار نظر را وصیتنامهٔ فکری متفکری دانسـت که در طول حیاتِ اندیشـی‌اش با بسیاری مساله‌ها درگیر شـده و در نهایت،در پایانِ عمر،به این نتیجه رسیده است که نسلش در شناخت «مساله» اشتباه کرده است.این وصیتنامهٔ فکری،این اعتراف دیر هنگام متفکری چند ضلعی،که در سـاحات متفاوتی زیسـت و اندیشید،را بایستی گنجی شایگان دانست که می توان آن را بسـان چراغی راهنما بر سـر آثار شـایگان و کسانی که می خواهند به بازشناسـیوبازخوانی آنها بپردازند آویخت.مشاهدات میدانی و شـواهد دریافتی نشـان می دهد که نسل ما نیز در یکی از همان پیچهای خطرناکی قرار گرفته است که نسل شایگان قرار گرفته بود.حال اگر ما بی توجه به تجربهٔ نسـل گذشته و این گنج شایگانِ اعتراف شـده در شـناخت مساله و راهی که بایدِ بپیماییمَ اشـتباهَ کنیم،آن گاه بایسـتی در دهه‌هایی بعدتر به نسل خَلفمان شرمسارانه اعتـراف کنیم که گند زده‌ایم.پس بـرای ادای اَحترام به متفکری که عمری را در راه مساله شناسی صَرف کرد بر ماست که پند او را در گوش داشته باشیم و مسـیرهای غلَط و تمدن سوز به جامعه نشان ندهیم. پس یا ایها الروشنفکر لطفاً مساله را درست تشخیص بده تا به تاریخ «گند» نزنی!

یادداشت

زن و پویایی

انسیه روشنی

زنان گاهی بی واسطه می خندند بی آهنگ می رقصند با پرنده هـا آواز می خوانند و بی هیچ صدایی بر میگردند و نگاهت می کنند و از میان هـزاران ،خاطره ی یک نگاه را به یاد می آورند . این گاهی ها به هوای خوب ،خانه ی مجلل لباس شیک و زیور آلات ربطی ندارد این گاهی ها به عجیب بودن زنان مربوط نیست در واقع زنان موجودات عجیبی نیستند فقط چون همیشه مردان در باره ی آنان نوشته اند زنان را عجیب می بینند . این گاهی ها به دوسـتت دارم ها بر میگردد،به فعمیدن کلام از چشم به آغوش در سکوت ، به چترهای خیس شده ی پاییز و ب آدم برفی های دونفره .

این گاهی ها راشانه هایی میسازد که محکم تر از هر وعده ایست . .

زنان آشپزخانه هایشـان را دوست دارند وقتی برای چنین مردانی عشق می پزند.

من زن هستم و زن بودنم را دوست دارم آنقدر که میخاهم هم همسر باشم و هم مادر.

بهشت زیر پایم را به کودکم می بخشم و عشق را به همسرم.

جنسیتی هستم با دنیایی متفاوت با درونی پر از خاسته و تمایلات.

من ضعیفه یا جنس دوم نیستم.نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل داده ام و سیاستمداران بزرگ در دامن من رشد نموده اند.

کنار تمام این تمایلات زنانه شـور و حرارت زیادی برای فعالیت در عرصه های اجتماعی دارم .بعنوان یک زن باور دارم که می توانم از عهده ی هر کاری بربیایم.فقط در این عرصه نیاز به فضای گسترده ی فکری سیاستمدران و زمامدارانی دارم ، که جنسیت مارا مطابق مرزهای جغرافیایی مان تعیین می کنند.اگر چند قدمی تاریخ راطی کنید بزرگ زنانی را می بینید که در برپایی انقلاب ها نقشی اساسی داشتند.زنانی که همیشه در عرصه های سیاسی تلاش فراوان کرده اند مامی توانیم «پارک گون های» «ایندیراگاندی» ایزابل پرون» و «بی نظیربوتو» های فراوانی در دنیا داشته باشیم که شـجاعانه و با صلابت قدم بردارند و دنیا را عاری از هرگونه جنگ و فقر و خشونت کنند .

زنان در طول تاریخ نه تنها به طور مطلق تر از مرد ساخته بلکه به منزلتی تامرتبه ی الوهیت رسانیده شده اند و از این جهات است که در ایران مصر یونان هندوستان و.. خدایان و نیمه خدایان غالبا بصورت زن تصویر و مجسم می شده اند.

زن از ابتدا مظهر حیات و آفرینش بوده و قدرت مقام سروری در اجتماعات پیشین را داشته است . «ویل دورانت» در تاریخ تمدن خود می نویسد :«زن در این دوره از حیث بلندی قامت و بردباری و چاره اندیشی نه تنها دست کمی از مرد نداشته بلکه موجودی بوده کاملا نیرومند که می توانسته سـاعات درازی به کارهای دشوار بپردازد و به هنگام حمله ی دشمن ،بخاطر فرزندان و عشیره ی خود تا سرحد مرگ بجنگد.لیکن باور داریم در دنیایی که هنوز زن ،بعنوان جنس دوم شناخته میشود فرصت شناخت به زنان داده نشده است این واقعیت در همه ی جوامع وادیان بوضوح دیده میشود . حتی اگر زن مقدس گونه ای بر ما وارد شود، بنابر گفته ی اوریانافالاچی ،مسیح او را فرزند روح القدوس می دانند . نه فرزند مریم .

شاید به ندرت بتوان در جوامع بسته زنی را یافت که جزِ مسئولین حکومتی در کشورها باشد،البته این سیاست دنیاست که زنان را در خانه هایشان محبوس نگاه دارنـد . تا به خدمات خانگی رسیدگی نمایند و مردان به تنهایی زمام امور دنیا رابه دسـت بگیرند . اما جدا از اختیاراتی که به صورت ناخود آگاه از زندگی زنان حذف شده اغلب این خودمان هستیم که شور و نشاط و استعدادهای درونیمان رافراموش کرده وشکایتی نداریم. زنان با بی میلی و متاثر از جنسـیت خودشان به سراغ این دگر گونی رفته اند . این حقوق پایمال شده در کشورها و جوامع با توجه به فرهنگ متفاوت می باشد.در کشورهایی هنوز زنان از کوچک ترین حق طبیعی خود که انتخاب همسـر است بی بهره اند ، در کشورهایی زنان هنوز برای انتخاب نوع شغل و علاقه ی خود مبارزه می کنند و در کشـورهایی برای داشتن آزادی بیان و اندیشه و ... در هر صورت گروهی از زنان همیشه در حال مبارزه اند و سعی در بیدار کردن جنس موافق خود دارند . وقت آن رسیده که همه بدانند ما زنان علاوه بر همسر داری و مادری ،سیاست و اقتصاد را هم دوست داریم .

انقلاب های بزرگ تاریخ ثابت کرده اسـت که در برپایی یک شور انقلابی زنان همیشه پرچم دار بوده اند و نقش آنان در استقرار یا براندازی یک انقلاب یا فرهنگ پر رنگ تر از مردان بوده است . اما هنگام تقسیم قدرت این هیچ است که نصیب زنان می شود . و این امر هیچ توجیحی جز نادیده گرفتن این قشر عظیم از جامعه ندارد . ما هم دوست داریم زنان بیشتری، به تساوی مردان در کرسی قدرت، برای مردمان کشورشان تصمیمات درست اتخاذ نمایند..هر چند که در سال های اخیر در خیلی از کشورها وانمود می شـود که زنان و مردان برابرند اما تصمیمات و نتیجه ی اعمال چیز دیگری را نشـان می دهد و ایـن ظلم ملایم بر علیه جامعه ای که نصف جمعیت دنیا را بر گرفته بسیار متاثرکننده و غم انگیز است . البته باید اذعان داشت که ما به دنبال برابری حقوق زن و مرد نیستیم .ما حقوق انسانی مان را می خواهیم در جسمی به نام زن و شاید مواقعی این حقوق بیشـتر از مردان باشد و در مواقعـی کمتر . ما دنیای صورتی رنگی که به ما تحمیل می شود را دوست نداریم . بهتر است این قلم مو دسـت خودمان باشد تا با رنگ ها دنیایی بسازیم که خودمان می خواهیم آنوقت ممکن اسـت باز هم هزاران زن دنیای خود را صورتی کنند اما با آگاهی ...

راهبردی به نام روشنفکری دینی

هرمنوتیک در برابر سکولاریسم

اسماعیل نوشاد

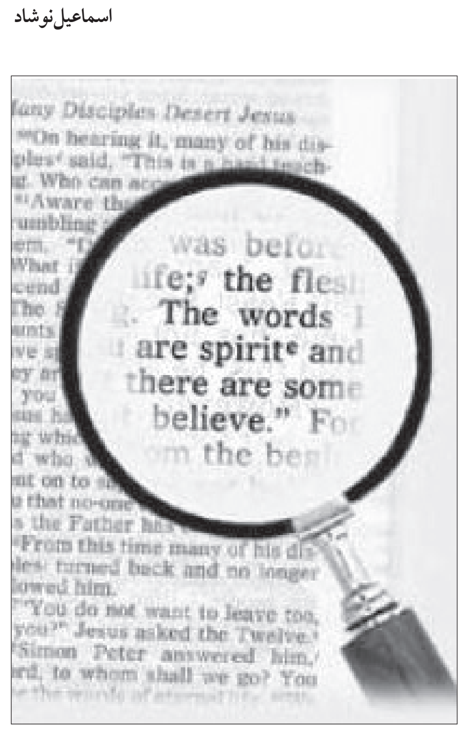

۱–مسیحیت و مسأله سکولاریسم

بسیاری سکولاریسم را رخدادی مدرن می دانند که در پس رنسانس بر مسیحیت چیره شد و حوزه نفوذ آن را به مقوله های دینیِ تقلیل داد. به عبارتی دست مسیحیت با این روند از حوزه های قانون گذاری، قضایی، سیاست و امور اجرایی کوتاه و کشیشان مسیحی فقط جهت دخالت در امور دینی و تا اندازه ای فرهنگی مجاز شمرده شدند. چنین باوری بیشتر مربوط به روشنفکران غیر مسیحی و به ویژه مسلمان است. اما اگر بخواهیم به صورت درون متنی مسأله گسترش سکولاریسم در عالم مسیحی را پیگیری کنیم، این رویه برای مسیحیت یک سنت است. این گفته خود مسیح است که «مال قیصر را به قیصر و مال خدا را به خدا دهید». آباء اولیه کلیسا نیز به همین منوال عمل کردند و مسیحیت هیچ گاه ادعای اداره امور سیاسی و زمینی اجتماع انسانی را نداشت. حتی در دوران مقتدرترین پاپهای مسیحی نیز هیچ گاه مسیحیت تشکیل دولت سیاسی جهت انجام امور زمینی نداد و این امور همیشه در ید قدرت پادشاهان باقی ماند. لوتر نیز که در قرن شانزده بانی نهضت پروتستانتیسم و حذف واسطه گری کلیسا بین مردم و خدا گشت، در واقع ادعای بازگشت به مسیحیت اولیه و اصول مسیح و آبای کلیسا را داشت نه یک بدعت جدید؛ دلیل پذیرش گسترده نهضت دین پیرایی لوتر همین سابقه سنتی بود. بنابراین مسیحیت چنین ظرفیتی را از اول داشت و لوتر آن را احیا کـرد. نکته دیگر این که مخاطب لوتر کلیسا و جامعه مؤمنان بود نه عموم جامعه. در واقع مدرنیسم از چند رانهء متفاوت مانند فلسفه های سـوبژکتیو در حوزه های فکری، هنر و عرفانهای اومانیستی در حوزه های هنری و فرهنگی، اقتصاد بورژوازی در حوزه های اقتصادی و سرانجام نهضت اصلاحات مذهبی یا پروتستانتیسم در حوزه دین، در جامعه آن روز تشکیل و تحت بسته یکتایی نمایان شد.

۲–امتناع سکولاریسم مسیحی در اسلام

روشن است که بین اسلام و یهودیت از یک طرف و مسیحیت از طرف دیگر، تفاوتهایی بنیادی در ریشه ها، خوانشها و رویکردهاست. اسلام و یهودیت ادیانی شـریعت محورند و به ویژه اسلام برای زندگی این جهانی برنامه و قاعده دارد. قاعده هایی که پس از رحلت/ غیبتِ نبی/ معصوم، به دلیل نیازهای متنوع زمینی از طریق دستگاه های فقاهتیِ هر چه بیشتر متورم و بازتولید می شوند. در حالی که مسیحیت یک دین رستگاری محور و غیر شرعی است که در حوزه های این جهانی قاعده های چشمگیری ندارد؛ تا آنجا که یکی از وعده های مسیح به یارانش «برداشتن شریعت از گردن آنهاست». مسیحیت در حوزه های زمینی و این جهانی همان طور که در بند یک آمد، بی ادعا است و این امور را به دولت می سپارد. بنابراین، پیاده سازی سکولاریسمی که در غرب بر مبنای مسیحیت انجام گرفته، در جوامع اسلامی یک امر ممتنع است. مسیحیت از قبل منطبق با قالب سکولاریسم بوده است و مدرنیسم تنها این قالب را محقق کرد، در حالی که اسلام به دلیل وجود شریعت همه جا حاضر، فاقد چنین امکانی است. می توان گفت: کسانی که بدون در نظر گرفتن این وضعیت توپولوژیک اقدام به بومی سازی سکولاریسم در کشورهای اسلامی می کنند، بیشترهزینه های مادی و معنوی بیهوده برای اجتماع ساخته اند تا این که مشکلی از جامعه را حل کرده باشند. تاریخ صد سال گذشته روشنفکری ایرانی مؤید این گفتار است.

۳–از سکولاریسم به سوی هرمنوتیک یا تأویل در روشنفکری دینی

۳٫۱– هر منوتیک یا تأویل چیست؟

هرمنوتیک در ابتدا دانشی بود کـه از طریق متکلمان و عالمان علوم دینی در جریان تفسـیر متون دینی قوام یافت.این دانش در ابتدا قواعد صحیح تفسیر متن به معنای بازگشت به معنای اولیه و اصلی متون یا تأویل متون بود. اما به مرور زمان این علم از حوزه علوم دینی خارج و به علوم انسانی، تحلیل مسأله فهم و حتی ابعاد انتولوژیک جهان انسانی تسری یافت.به همین دلیل چیستی این دانش، روشمندی آن و موضوع آن محل تحلیل ها و جستارهای فلسفی دامنه داری قرار گرفت. برخی نحله های فلسـفه قاره ای روشـمندی این دانش را نمی پذیرند و یا برخی پست مدرنها بازگشت به معنای اصیل را زیر پرسش می برند و امکان فهم نهایی را قبول ندارند و معتقدند که فهم رخدادی است که در اندیشـه مفسـر و در زمان حال و نه گذشته، با توجه به وضعیت و شرایط روز شکل می گیرد. برخی دیگر از متفکران انگلواساکسون مانند هرش نیز سعی دارند که دوباره اصالت معنای نهایی و وجه رئالیستی و روشمندی موضوع را با در نظر گرفتن شرایط مفسر احیا کنند.

اجازه دهید به مسـأله بازگردیـم. می خواهیم یک راهبرد منطقه ای با استفاده از دانش هرمنوتیک که برخی روشنفکران جهان اسلام در برابر مسأله شریعت، تحت عنوان «روشـنفکری دینی» پی ریزی کردند را دنبال کنیم.

۳٫۲–رویگردانی از سکولاریسـم با راهبردی هرمنوتیکی: گفتمان روشنفکری دینی

در بند دوم گفتیم که سکولاریسـم بنا به وضعیـت توپولوژیک ویژه شریعت اسلامی، در جهان اسلام ممتنع است. تجربه های تاریخی قرن گذشته تأییدی در این راستا هستند. روشنفکری دینی، پس از انقلاب اسـلامی واکنشی به این موضوع بود. پیامد این امر، روشنفکران دینی سعی کردند تا با اتخاذ یک رویکرد هرمنوتیکی مناسب شرع اسلامی را با حفظ اصول و روش مناسـب با وضعیت روز تطبیق دهند. پروژه هایی مانند «قبض و بسـط تئوریک شریعت» تلاشهایی در این جهت بوده است. بدین ترتیب سعی گردید تا با توجه به رخدادهای شناختی مدرن، فهم تازه از شریعت اسلامی ایجاد گردد. این روش مختص ادیان شـریعت محوری مانند اسلام اسـت و راهبردی هوشمند در راستای ورود و به روز رسانی فهم دینی در جهان امروز و با حفظ اصول است. این تجربه شکست راهبرد سکولاریزه کردن دیانت اسلامی را در پشت سـر داشت و با کنار گذاشتن این روند، سـعی کرد تا از طریق القای تفسیرهایی نو اندیشه های دینی را به روز گرداند. به این ترتیب اصول دین ثابتند ولی دست مفسر در تفسیر فروع دین باز بوده و می تواند با استفاده از مقولاتی مانند «شأن نزول آیات» و یا دلیل عقلی وضع حکم، این قواعد را بروز رسانی کند.

یکـی از خطرهایی که این راهبرد را تحدید می کند، عدم خودآگاهی روشـنفکران دینی به وضعیت گفتمانی خویش و انحراف به سـوی سکولاریسـم در اثر مقاومتها و شکسـتهای طول مسـیر است. به هر صورت این روند منتقدان پرقدرتی هم در جبهه سـنت گرایان و هم در جبهه سکولارها دارد، اما این دلیل نمی شود تا اصول گفتمانی زیرپا گذاشته شده و جریان به جهت همدلی روشنفکران سکولار، به سمت سکولاریسم منحرف گردد. به نظر می رسد که نظریاتی مانند «رؤیای رسـولانه» یک انحراف از مسیر هرمنوتیکی گفتمان روشنفکری دینی به سـمت سکولاریسم مسیحی باشـد. در جریان تفسیر بایستی هر دو طرف قضیه یعنی اصول دیانت و وضعیت معاصر پاسـداری شود. انحراف به هر یک از دو سـمت این جریـان را از ریل خارج کرده به سمت بن بستهایی می برد که هم سنت گرایی و هم سکولاریسم در جامعه مذهبی فعلی مدتهاست در انتهای آن نشسته اند.

۴–سخنی با منتقدان سکولار

به نظر می رسد که بیشـترین خطر برای گفتمان روشنفکری دینی از جانب روشنفکران سـکولار جامعه امروز ایران است. آنها با اشتباهی فاحش، روشنفکران دینی را رقیب خود می دانند. در حالی که مخاطب روشنفکران دینی طلاب و نخبگبان حوزه های علوم دینی و به عبارتی «جامعه مومنان» هسـتند. مخاطبی که سکولاریسـم در جهان اسـلام بـا توجه به وضعیتی که در بند دو آوردیم، هیچ بسـته فکری برایش ندارد و راهی را که در مقابل آنها پیش گرفته است تنها به بن بست و درگیری ها و صف کشی های خونبار اجتماعی می انجامد. در حالی که روشنفکری دینی همواره یک روش جایگزین برای همزیستی مسالمت آمیز شریعت و ملزومات دنیای مدرن باقی می گذارد. توصیه ما به این دسـته از روشنفکران آن اسـت که حداقل در این زمینه – با توجه به ادعاهایتان– از غربـی ها پیروی کنید و وارد حیطه تخصصی دیگران نشـوید. به همان گونه که لوتـر و دکارت و گالیله و خاندان مدیچی در غرب مدرن هر کدام به خویشـکاری ویـژه حوزه خود پرداختند. و البته روشـنفکری دینی نیز باید بفهمد که، با توجه به جهان مقدری که پیش روی ماست، مخاطب بسته فکریش طلاب علوم دینی و به اندکی ارفاق «جامعه مومنان» هستند. گوناگونی و جداسری حوزه های مختلف تمدنی از ویژگی های بارز این تقدیر است.هرچند ما معتقدیم که اندیشـه ایرانی این توان را دارد که عقلی جهانشـمول برای از آن خود کردن و در عین حال پاسداشت این گونه گونی، تقویم کند. این کار را یکبار فارابی در مقابله فلسفه و علوم غربی انجام داده – هرچند نتوانستیم از نتایج آن بهره ببریم– است و چرا دوباره نشود؟

هدف جامعه سیاسی از منظر جان لاک

فرشـید حسن زاده – قبل از آنکه افراد یک جامعه، داوطلبانه و با رضایت دور یکدیگر جمع شـوند و با به اشتراک گذاشـتن قدرت خود تشکیل جامعه سیاسـی را بدهند، انسـانها در وضعیت طبیعی به سر می برند. به اعتقاد لاک وضعیت طبیعی دارای سه ویژگی است:نخست جامعه ای کاملا آزاد، دوم جامعه ای کاملا برابر و سـوم منوط به قانون طبیعی است. البته اصول برابری نزد لاک بر خلاف هابز که شامل توانایی های جسمی و روانی همه مردم بود، یک مدعای اخلاقی است درباره حقوق.

وضعیتی که در آن انسـان ها در کارها و نظم و ترتیب دادن به دارایی ها و شخص خود، همان طوریکه مناسب می دانند، آزادی کامل دارند. وضعیتی که در آن همه قدرت و اختیارات قانونی دو سویه است و هیچ کس نسبت به دیگری برتری ندارد(بند ۴). وضعیت طبیعی دارای قانون طبیعی اسـت که آن را کنترل و هدایت میکند و همه را به رعایت آن وا میدارد. این قانون که همان قانون عقل است، به همه انسان ها که با آن مشورت میکنند می آموزد که هرکس مستقل و همه با هم برابراند و هیچ کس نباید به زندگی، سـلامت، آزادی یا دارایی دیگران آسیبی برساند(بند ۶).

با مطالعه توصیفات فوق از وضعیت طبیعی، اولین سـوالی که به ذهن خطور میکند این اسـت که، هنگام تشکیل جامعه سیاسی چرا انسان بایـد از آزادی خود صرف نظر و آن را با دیگران تقسـیم کند؟چرا از امپراطوری خود دست میکشد و خود را تحت سلطه و کنترل قدرت دیگری قرار میدهد؟

درست است که در وضعیت طبیعی، انسان ها در وضعیت کاملا آزاد و برابر قرار دارند اما در این شرایط خطر هر لحظه در کمین انسان است و دائمـا در معرض هجوم دیگران قرار دارد و برای بهره مندی از این آزادی و برابری در شرایطی بسیار نامعلوم و نامحقق قرار دارد. از آنجا که انسان های دیگر، مانند خود او، سرور خویش و با او برابرند و هیچ نگهبان دقیق و سخت گیری از این انصاف و عدالت حفاظت نمیکنند، بهره مند شـدن از چنین وضعیتی بسیار غیر محتمل و نا امن است. به همین دلیل او خواهان آن می شود تا این شرایط هرچند آزاد که پر از ترس و خطرات دایمی است ترک کند (بند ۱۲۳).

امـا وضعیت طبیعـی دارای چه نواقص و کمبودهایی اسـت که انسـان دست به ترک آن ها می زند. اولین نقیصه بسیار مهم، فقدان قانونی است که به تایید همگان رسیده باشد تا معیار سنجش و داوری در فعل و انفعالات و مجادلات در جامعه قرار گیرد. نقیصه دوم، از آنجا که در وضعیت طبیعی هم مجری و هم داور قانون طبیعت، خود شخص می باشد، وقتی پای منافع شخصی به میان می آید بدون شک افراد منافع خود را بر دیگری ترجیح می دهند و یا هنگامی که در قضیه ای نفعی نداشته باشـند نسبت به آن سهل انگاری میکنند. پس بنابراین، آنها در وضعیت طبیعی نیاز به داوری شناخته شده و بی طرف رااحساس میکنند که آمریت اختلاف های آن ها را بر اساس قانون تثبیت شده ای داشته باشد(بند ۱۲۵).

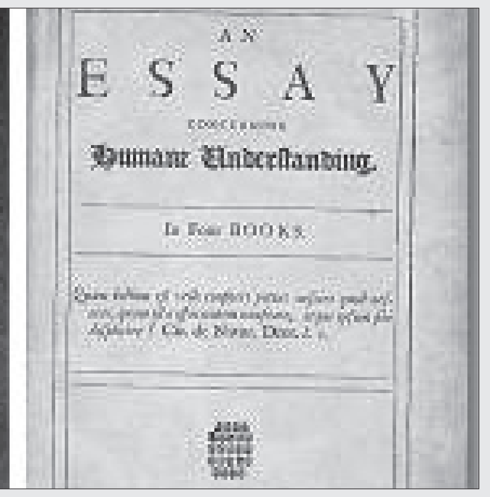

AN
ESSAY
CONCERNING
Humane Understanding.
In Four BOOKS.

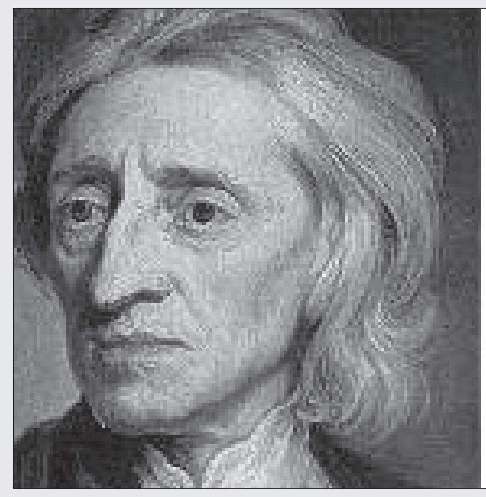

نقیصه سـوم، اجرای قانونی اسـت که همگان آن را تایید کرده اند و معیار تصمیم گیری در جامعه است. پس نیاز به مجری احساس میشود تا، هنگامی که کسی قدرت دفاع از حقوق خود را ندارد، پشتیبان حقوق او بـوده و قانـون را اجرا کند. در وضعیت طبیعی، اغلب قدرت کافی برای پشتیبانی، دفاع و اجرای حقوق افراد وجود ندارد. زورمندانی که با ستمگری خود این حقوق را زیر پا میگذارند اغلب زیانی نمی بینند و تنبیه آن ها در بسـیاری موارد، برای کسانی که در برابر آنها مقاومت میکنند، خطرناک و مخرب است(بند ۱۲۶).

اگر فسـاد و بدخواهی انسـان های بدمنش نمی بـود، نیازی برای تشکیل اجتماع دیگری دیده نمی شد و لزومی نداشت که انسان ها خود را از این اجتماع رضایت بخش و طبیعی جدا کنند و به جوامع متعدد و کوچک تر بپیوندند. انسان ها در چارچوب قانون طبیعت، میتوانسـتند هر کاری را که برای بقای خود و دیگران مفید می بود انجـام دهند و همچنین قدرت کیفر دادن به جنایاتی را داشـتند که علیـه قانون طبیعت صورت میگرفت. آنهـا با واگذار کردن قدرت خود به اجتماع و پیوسـتن به دیگرانی که پیش از آنها در جامعه به یکدیگر پیوسـته اند با تشکیل جامعه سیاسی به دنبال هدفی والاتر بودنـد. یعنی بـه دنبال حفظ و مراقبـت از «مالکیت». در نزد لاک، مالکیـت یعنی زندگی، آزادی و دارایی انسـان هـا. پس این همان اصل اساسـی و هدفی اسـت که لاک برای تشکیل جامعه سیاسی از آن نام می برد.

گرچه انسـان هـا در زمان ورود به جامعه برابـری، آزادی و قدرت اجرایـی را که در وضعیت طبیعی از آنها برخوردار بوده اند در اختیار جامعـه قرار میدهند تا قانون گذار آنهـا را برای صلاح جامعه به کار گیرد، اما نیت آنها از این کار این است که از بقا، آزادی و دارایی خود بهتر مراقبت کنند(زیرا هیچ انسـان عاقلی را نمیتوان تصور کرد که شرایط خود را با نیت بدتر شدن تغییر دهد). قدرت جامعه، یا قدرت قانون گذاری، که توسط خود مردم ساخته و پرداخته شده است هرگز نمیتواند فراتر از صلاح جامعه به کار گرفته شود. این قدرت موظف است تا جان و مال و آزادی آنها را، با رفع نواقص وضعیت طبیعی(از حیث) دشـواری و عدم قطعیت، چنان که در بالا به آن اشـاره شد، تامیـن کند. بنابراین، هر فردی که قدرت برتر و قانون گذاری یک جامعه را در دسـت دارد، موظف است بر اساس قوانینی حکومت کند که به آگاهی و تصویب همه مردم رسـیده باشـد، نه اینکه آن احکام را به میل خود وضع کرده باشد. مناقشات و اختلافات مردم باید توسـط داوران بی طرف و صادق و بر اساس قوانین مصوب مردم حل و فصل شـود. چنین قدرتی باید نیروی خود را در مسیر اجـرای همان قوانین، در داخل کشـور و یا جلوگیری از تعرض و هجوم بیگانگان، و یا جبران خسـارات وارده از سـوی بیگانگان و حفظ امنیت جامعه در برابر تهاجم آنها، بـه کارگیرد. هدف همه ایـن ها نباید چیزی جز برقراری صلح، آسـایش و صلاح همگانی باشد(بند ۱۳۱).